

آیه ۱۴۶ - ۱۴۷

آیه و ترجمه

و علی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر و من البقر و الغنم حرمنا
علیهم شحومهما الا ما حملت ظهورهما او الحوايا او ما اختلط بعظم
ذلک جزینهم ببغیهم و انا لصدقون ۱۴۶

فان کذبوک فقل ربکم ذو رحمة وسعة و لا یرد باسه عن القوم المجرمین ۱۴۷
ترجمه :

۱۴۶ - و بر یهودیان، هر حیوان ناخن دار (حیواناتی که سم یکپارچه دارند) را
حرام کردیم و از گاو و گوسفند، پیه و چربیشان را تحریم نمودیم، مگر
چربی هائی که بر پشت اینها قرار دارد، و یا در لابلای امعاء و دو طرف پهلوها و یا
آنها که با استخوان آمیخته است این را به خاطر ظلم و ستمی که می کردند، به
آنها کیفر دادیم و ما راست می گوئیم.

۱۴۷ - اگر ترا تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند) به آنها بگوپروردگار شما
رحمت وسیعی دارد، اما در عین حال مجازات او از مجرمان دفع شدنی نیست
(راه بازگشت به سوی شما باز است و فوراً شما را مجازات نمی کند ولی اگر
به کارهای خلاف ادامه دادید، کیفر شما حتمی است)

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۷

تفسیر :

محرمات بر یهود

در آیات قبل، حیوانات حرام، منحصر به چهار چیز شمرده شده بود اما در این
آیات اشاره به قسمتی از محرمات بر یهود می کند تا روشن شود، که احکام
مجهول و خرافی بت پرستان نه با آئین اسلام سازگار است و نه با آئین یهود، (و
نه با آئین مسیح که معمولاً در احکامش از آئین یهود پیروی می کند).
تازه در این آیات تصریح شده که این قسمت از محرمات بر یهود نیز جنبه
مجازات و کیفر داشته و اگر مرتکب جنایات و خلافکاریهائی نمی شدند، این
امور نیز بر آنها حرام نمی شد، بنابراین جا دارد از بت پرستان سؤال شود این
احکام ساختگی را از کجا آوردید؟!

لذا نخست می‌گوید: بر یهودیان، هر حیوان ناخن‌داری را حرام کردیم (و علی‌الذین هادوا حرما کل ذی ظفر).
ظفر (بر وزن شتر) در اصل به معنی ناخن می‌باشد، ولی به سم حیوانهای سم‌دار (آنها که همچون اسب، سمهائی دارند که شکاف‌ندارد نه مانند گوسفند و گاو که دارای سم شکافته می‌باشند) نیز اطلاق شده زیرا سمهائی آنها شبیه ناخن است، و نیز به پای شتر که نوک پای او یکپارچه است و شکافی ندارد گفته‌اند.
بنابراین از آیه فوق چنین استفاده می‌شود که تمام حیواناتی که سم چاک‌نیستند اعم از چهارپایان یا پرندگان، بر یهود تحریم شده بود.
از سفر لاویان تورات کنونی فصل ۱۱ نیز همین معنی اجمالا استفاده می‌شود آنجا که می‌گوید:
از میان بهائم، هر سم چاک‌داری که تمام شکاف و نشخوار کننده باشد بخورید، اما از نشخوار کنندگان سم چاکان اینها را نخورید، شتر را باوجودی

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۸

که نشخوار می‌کند اما تمام سم چاک نیست، آن برای شما ناپاک است.
از جمله بعد در آیه فوق که تنها سخن از گاو و گوسفند به میان آورده نیز می‌توان استفاده کرد که شتر برای یهود به کلی حرام بوده است (دقت کنید).
سپس می‌فرماید: پیه و چربی موجود در بدن گاو و گوسفند را نیز بر آنها حرام کرده بودیم (و من البقر و الغنم حرما علیهم شحومهما).
و به دنبال آن، سه مورد را استثناء می‌کند، نخست چربیهای که در پشت این دو حیوان قرار دارد (الا ما حملت ظهورهما).
و چربیهای که در پهلوها و لابلای امعاء قرار گرفته (او الحوايا).
و چربیهای که با استخوان آمیخته شده است (او ما اختلط بعظم) ولی در پایان آیه تصریح می‌کند که اینها در حقیقت بر یهود حرام نبود، اما به خاطر ظلم و ستمی که می‌کردند، از اینگونه گوشتها و چربیها که مورد علاقه آنها بود به حکم خدا محروم شدند (ذلک جزیناهم ببغیهم).
و برای تاکید اضافه می‌کند: این یک حقیقت است و ما راست می‌گوئیم (و انا لصادقون).

در اینجا به دو نکته باید توجه کرد

۱- در اینکه بنی اسرائیل چه ظلم و ستمی کرده بودند که خداوند پاره‌ای از نعمتهائی را که مورد علاقه آنها بود بر آنها تحریم کرد؟ در میان مفسران گفتگو است، ولی آنچه از آیه ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء استفاده می‌شود این است که علت تحریم مزبور چند چیز بوده است: ظلم و ستم بر ضعفاء و جلوگیری کردن از دعوت انبیاء در مسیر هدایت

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۹

مردم، و رباخواری، و اموال مردم را به ناحق خوردن، آنجا که می‌فرماید: فبظلم من الذین هادوا حرما علیهم طیبات احلت لهم و بصدھم عن سبیل الله کثیرا و اخذھم الربا و قدنھوا عنه و اکلھم اموال الناس بالباطل ۲- جمله و انا لصادقون که در آخر آیه آمده است، ممکن است اشاره به این نکته باشد که صدق و حقیقت مطلب در مورد تحریم این غذاها آن است که ما گفتیم نه آن است که یهود در پاره‌ای از سخنان خود می‌گفتند، و آن را به عنوان فرمانی دائر بر تحریم این امور از ناحیه اسرائیل (یعقوب) معرفی می‌کردند زیرا یعقوب چنانکه در آیه ۹۳ سوره آل عمران آمده است هرگز، حکم به حرام بودن این اموال نکرده بود، و این تهمتی بود که یهود بر او بستند (برای توضیح بیشتر به تفسیر نمونه ذیل آیه فوق جلد سوم صفحه ۶ مراجعه فرمائید).

از آنجا که لجاجت یهود و مشرکان روشن بوده و امکان داشته پافشاری کنند و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را تکذیب نمایند، در آیه بعد خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که اگر ترا تکذیب کنند به آنها بگوپروردگارتان رحمت وسیع و پهنای دارد و شما را زود مجازات نمی‌کند بلکه مهلت می‌دهد، شاید از اشتباهات خود برگردید و از کرده خود پشیمان شوید و به سوی خدا باز آئید (فان کذبوک فقل ربکم ذورحمة واسعة).

ولی اگر از مهلت الهی باز هم سوء استفاده کنید، و به تهمتهای ناروای خود ادامه دهید، بدانید کیفر خداوند قطعی است، و سرانجام دامن شما را خواهد گرفت، زیرا مجازات او از جمعیت مجرمان دفع شدنی نیست (و لا یرد باسه عن القوم المجرمین).

این آیه به خوبی عظمت تعلیمات قرآن را روشن می‌سازد که بعد از شرح این

همه خلافکاریهای یهود و مشرکان باز آنها را فوراً تهدید به عذاب نمی کند

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۰

بلکه نخست با تعبیرهای آکنده از محبت مانند ربکم (پروردگار شما) ذو رحمة (صاحب رحمت است) واسعة (رحمتش پهناور می باشد) راه بازگشت را به سوی آنها گشوده، تا اگر کمترین آمادگی برای این موضوع در آنها وجود داشته باشد، تشویق شوند و به سوی حق بازگردند، اما برای اینکه رحمت پهناور الهی باعث جرئت و جسارت و طغیان آنان نگردد، و دست از لجاجت بردارند در آخرین جمله آنها را تهدید به مجازات قطعی خدا می کند.